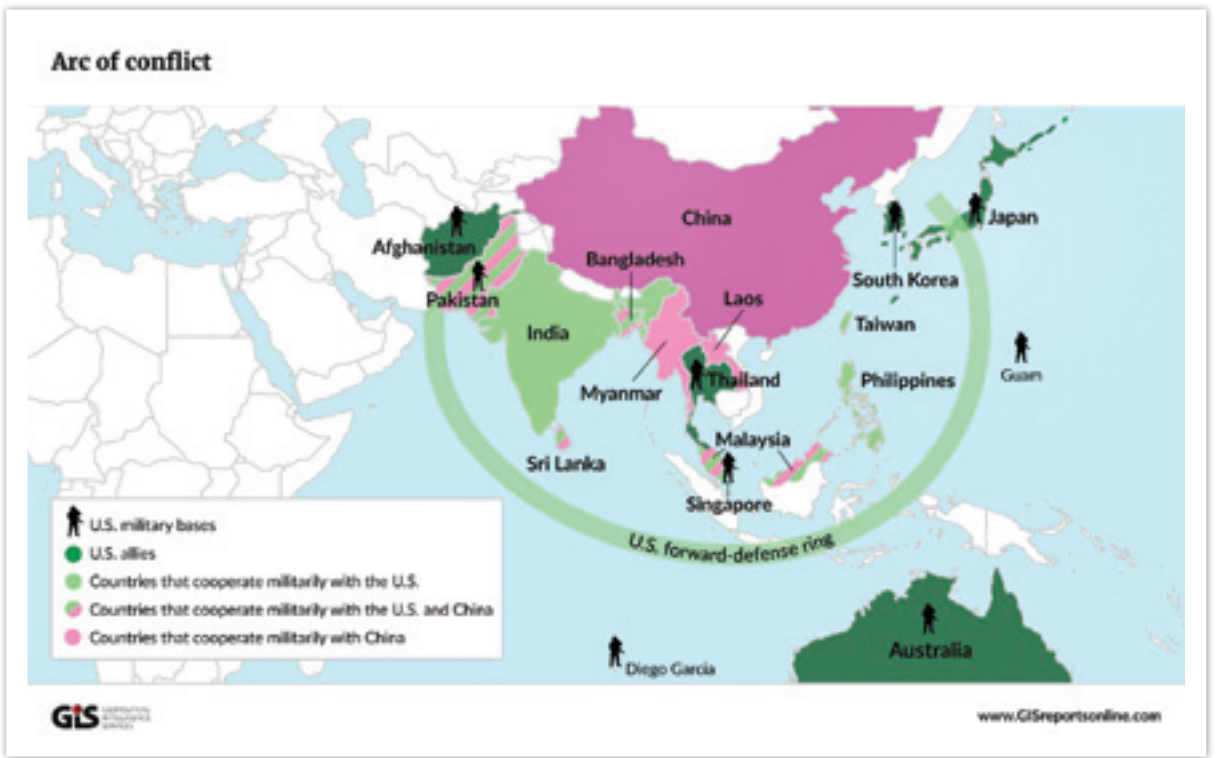


دیروز «آکوس»، امروز «کواد»

مهار غول چینی بازنجیر ائتلاف‌ها



■ دکتر سید رضا میر طاهر
امریکا در دوره زمامداری جو بایدن توجه ویژه‌ای به منطقه استراتژیک «ایندو-پاسیفیک» (هند-آرام) نشان می‌دهد. دلیل این، اهمیت خاص این منطقه از جنبه‌های اقتصادی، تجاری، نظامی و امنیتی و سیاسی است، به نحوی که برخی کارشناسان قرن بیست و یکم را قرن اقیانوس آرام نامیده‌اند. با این حال اکنون امریکا با حریف قدرتمندی به نام چین مواجه است که به عنوان دومین قدرت اقتصادی جهان، به طور روزافزونی منافع استراتژیک امریکا در منطقه «ایندو-پاسیفیک» را به چالش کشیده است. بدین ترتیب وااشنگتن برای تداوم حضور و نفوذ سنتی خود در این منطقه با قدرتی رو به ظهور مواجه است که طبق پیش‌بینی‌ها تا سال ۲۰۳۰ تبدیل به اولین اقتصاد جهان خواهد شد. این، به ویژه در زمینه ادعاهای دریایی پکن در دریای جنوبی چین و نیز رویارویی امریکا و چین درباره تاپوان مصداق پیدا می‌کند. لذا وااشنگتن می‌خواهد علاوه بر افزایش حضور نظامی به ویژه حضور قدرتمند دریایی، با ائتلاف‌سازی و تشویق کشورهای ایندو- پاسیفیک به دربر گیری یا به عبارت بهتر محاصره چین برپا دزد تا بدین طریق، به زعم خود از تحقق اهداف منطقه‌ای چین جلوگیری کند. یکی از ائتلاف‌های مد نظر امریکا تشکیل گروهی متشکل از قوی‌ترین کشورهای حوزه ایندو-پاسیفیک به نام «کواد» است.

■ نشست سران کواد

سران چهار کشور عضو «گفت‌وگوهای چهارجانبه امنیتی» موسوم به کواد (امریکا، ژاپن، هندو استرالیا) روز ۲ مهر ۱۴۰۰ در پاپان نشست خود در کاخ سفید با اتخاذ موضعی واحد در برابر چین، بر پیگیری منطقه‌ای آزاد،

چالش

پیرالمملک

سرویس بین‌الملل ۹ آگوست ۸۸۴۹۸۴۴۴

مهار چین از جمله از طریق اقدامات مشترک با متحاند خود در حوزه هند آرام است.

■ ادعاهای وااشنگتن

امریکا مدعی است اقدامات چند سال اخیر چین به ویژه در دریای چین جنوبی موجب به خطر افتادن آزادی کشتیرانی و تهدید امنیت کشورهای این-حوزه آبی شده است. ضمن این که پکن با جدیت به احداث جزایر مصنوعی با هدف توسعه قلمرو آبی در راستای اهداف اقتصادی و استراتژیک خود در دریای جنوبی چین ادامه می‌دهد. لذا امریکا به همراه متحدانش به تقویت حضور نیروهای دریایی و هوایی خود در این منطقه پرداخته‌اند. وااشنگتن اکنون به همراه کشورهای اروپایی عضو ناتو مانند انگلیس و فرانسه و نیز کشورهای حوزه اقیانوسیه مانند استرالیا حضور دریایی فزاینده‌ای در دریای چین جنوبی پیدا کرده تا به ادعای خود در مقابل ادعاهای دریایی و توسعه نفوذ چین ایستادگی کند. ضمن اینکه وااشنگتن منطقه نظارت هوایی که چین بر فراز دریای چین جنوبی اعلان کرده را به رسمیت نمی‌شناسد و به همین دلیل هواپیماهای امریکایی و متحاند آن مدام در این منطقه بدون کسب اجازه از پکن پرواز می‌کنند. با این حال برخی تحلیلگران بر این باورند که ایالات متحده، به‌رغم هزینه‌های هنگفت نظامی‌اش، در جنگی تمام‌عیار با چین بازنده خواهد بود. در یاسالار فیلیپ دپیودسون می‌گوید: «ارتش چین طی شش سال آینده بر ارتش امریکا «برتری» خواهد یافت و «ناگزیر وضعیت موجود در شرق آسیا را دگرگون خواهد کرد».

امریکا اخیرا ائتلاف سه گانه‌ای را با همراهی بریتانیا و استرالیا موسوم به «آکوس» تشکیل داده که آشکارا در راستای تقویت همکاری نظامی، تسلیحاتی و سایبری با هدف مقابله با گسترش قدرت نظامی چین است. هدف اصلی این ائتلاف نظامی، امنیتی و سیاسی جدید در واقع مقابله منسجم این سه کشور مهم بلوک غرب با چین در منطقه ایندو- پاسیفیک به ویژه در دریای جنوبی چین است به ویژه اینکه این سه کشور مدعی نگرانی از رشد قدرت و حضور نظامی چین در این منطقه گسترده و استراتژیک هستند. دولت بایدن حتی حاضر شده تا زیر دریایی‌های هسته‌ای در اختیار استرالیا قرار دهد که اعتراض دیگر کشورهای این منطقه است. با این حال وااشنگتن در راستای معیارهای دوگانه‌اش، این اقدام خود را در راستای اشاعه هسته‌ای تلقی نمی‌کند. در حالی که تجهیز استرالیا به این زیر دریایی‌ها منجر به تشویق و تحریک دیگر کشورهای این منطقه برای کسب توانمندی مشابه و تشدید مسابقه تسلیحاتی خواهد شد.

■ جمع‌بندی

دولت بایدن در رویکردش در باره چین نه فقط قصد تداوم سیاست دولت ترامپ را دارد بلکه در پی افزایش تنش‌ها با پکن و همراه ساختن متحاند و شرکای خود در این زمینه است. تلاش وااشنگتن بر همراه ساختن شرکای منطقه‌ای خود و نیز بر برخی کشورهای بلوک غرب برای حضور نظامی هر چه بیشتر در منطقه ایندو- پاسیفیک و ایجاد ائتلاف‌های جدید در این منطقه متمرکز شده است. مسلماً اقدامات وااشنگتن حاصلی جز بروز مسابقه تسلیحاتی و افزایش تنش‌ها و احتمال بروز درگیری و جنگ در این منطقه به‌دنبال نخواهد داشت.



جمهوری آذربایجان با مانع‌تراشی در مسیر ترانزیتی میان ایران و ارمنستان آغازگر این چالش بود که البته با درایت «میدان»- «هیپلماسی» این مهم مدیریت شد. همچنین با همدار جمهوری اسلامی ایران به تروربست‌های مستقر در خاک عراق و تلاش برای مجاب نمودن دولتمردان عراق جهت اخراج آنها که در نهایت با عملیات نظامی علیه تروربست‌ها و موافقت دولت این کشور صورت پذیرفت، کلاف این نقشه نیز درهم پیچیده شد. جایگاه کنونی ایران در منطقه به شکلی رقم خورده که دولتمردان سعودی و دیگر کشورهای عرب که با ایران دشمنی داشتند حالا دست دوستی ایران را می‌فشارند و «فتالی بند» نخست‌وزیر اسرائیل که بزرگ‌ترین مخالف توافق هسته‌ای با ایران بوده، ناگهان اعلام می‌کند با توافق هسته‌ای مخالفتی ندارد بلکه اگر ایران توافق هسته‌ای را اجرا نکند مخالف است! فرای نفوذ روزافزون ایران در منطقه، این دست تسلیحات جدیدی از ایالات متحده به‌خردن تاجران آن سامانه‌ها شود. البته امریکا از برگزیتی می‌گذارد، خط مشی مهار چین را بیش از پیش پیگیری می‌کند، شکست در افغانستان را سرپوش می‌نهد و در نهایت در قدرت‌گیری و خودمختاری نظامی- سیاسی اتحادیه اروپا مانع‌تراشی و سنگ‌اندازی ایجاد می‌کند.

■ تعدیل حضور خاورمیانه‌ای با آرایش ظرفیت‌ها

یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت بایدن به ویژه در برخورد با کشورهای عرب منطقه خلیج فارس، کاهش حضور نظامی ایالات متحده، است. برای نمونه خارج کردن سامانه‌های موشکی پاتریوت و اعلام به استقرار آنها در شرق آسیا. همان‌گونه که ترامپ به خوبی تروربست‌ها در عراق و افغانستان است.

پشت به دوستان کوچک برای جنگ با دشمن بزرگ اروپا دیگر برای امریکا ارزش سابق را ندارد

■ سیدنعمت‌الله عبدالرحیم‌زاده
پیمان آکوس(AUKUS) پیمان امنیتی سه‌جانبه‌ای است که روز چهارشنبه ۱۵ سپتامبر در نشست مجازی بین رئیس‌جمهور امریکا جو بایدن، نخست‌وزیر بریتانیا بوریس جانسون و نخست‌وزیر استرالیا اسکات موریسون رونمایی شد. هر چند این پیمان به منظور مهار چین ایجاد شده اما نخستین اثر آن متوجه کشوری بسیار دورتر از حوزه پاسیفیک-هند، در فرانسه دیده شد. استرالیا در نتیجه این پیمان قرارداد خرید ۱۲ زیردریایی از فرانسه را لغو کرد و این اقدام خشم پاریس را برانگیخت که احساس می‌کرد این سه متحد قدیمی از پشت به فرانسه خنجر زده‌اند. پاریس خشمگین در اقدامی بی‌سابقه سفیر خود را از وااشنگتن فراخواند و لغاطی آتشینی را علیه امریکا به راه‌انداخت. به نظر می‌رسد تماس تلفنی بایدن با رئیس‌جمهور فرانسه امانوئل مکرون نتوانسته باشد تا اندازه زیادی از خشمم پاریس بکاهد اما به نظر می‌رسد تاثیر منفی آکوس بر روابط امریکا و کل اتحادیه اروپا عمیق‌تر از آن است که با چند تماس تلفنی بایدن حل و فصل شود. در واقع، اتحادیه اروپا با پیمان آکوس دریافته که بایدن، علی‌رغم وعده‌هایش برای احیای اتحاد بااروپا، همان مسیری را می‌رود که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین امریکا، می‌رفت.

■ تغییر در عرصه باز

آنچه از پیمان آکوس گفته می‌شود این است که اروپا دیگر برای امریکا ارزش سابق را ندارد



این بود که به هیچ وجه در جریان این پیمان قرار نگرفته و جوزف بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در این مورد که اتحادیه اروپا در این مورد ابراز تأسف کرد. حمایت علنی بورل از فرانسه در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک نشان داد که ۲۶ کشور عضو اتحادیه اروپا به صورتی یکپارچه در مقابل آکوس موضع گرفتند چنان که بورل در این زمینه گفت: «این موضوعی دوجانبه نیست بلکه مربوط به همه اتحادیه اروپا می‌شود». در واقع، امریکا با تشکیل پیمانی به همراه بریتانیای بعد بر گزیت و استرالیا این پیام آشکار را به اتحادیه اروپا فرستاد که این اتحادیه در معادلات امنیتی امریکا دیگر جای چندانی ندارد و حتی لازم نیست تا مورد مشورت قرار بگیرد. به این جهت است که چارلز میشل، رئیس شورای اتحادیه اروپا، تصمیم سه کشور امریکا، بریتانیا و امریکا را «نشانی واضح از کاهش شفافیت وفاداری» خواند و در این زمینه گفت ما ائتلاف اروپا و امریکا را از سؤال بیرون «ما برای ما این سؤال پیش آمده است که آیا برای امریکا نسبت به امنیت این ائتلاف شک و تردید پیش آمده است؟»

سنختن این مقاهای ارشد اروپایی گویای این واقعیت است که آنها احساس می‌کنند در روابط بین امریکا و اروپا نسبت به دوران ترامپ تغییر قابل توجهی رخ نداده و بایدن با وجود وعده‌هایی برای احیای اتحاد با اروپا، مسیری را می‌رود که ترامپ می‌فت و دیگر اروپا را متحد استراتژیک امریکا نمی‌داند. این احساس باعث شد اروپایی‌ها بار دیگر میزان وابستگی و اتکای امنیتی خود به امریکا را مورد ارزیابی قرار بدهند و بار دیگر موضوع «خودمختاری استراتژیک» (strategic autonomy) مطرح شده است. در واقع، اقدام بایدن برای خروج کامل از افغانستان بدون مشورت و هماهنگی با متحاند اروپایی‌اش در ناتو باعث شده بود تا باعث در مورد خودمختاری استراتژیک از قیم قدیمی خود بریتانیا و نزدیکی این دویه امریکا دانسته شد و حالا با کنار گذاشتن زلاندنو و آمدن بریتانیا، به نظر می‌رسد امریکا چشش جدیدتری را برای پاسیفیک-هند در نظر گرفته است. در واقع، عنصر تجهیزات و تسلیحات هسته‌ای نقش کلیدی در این تغییر داشت چراکه زلاندنو حاضر به پذیرش این عنصر در آرایش منطقه‌ای نبوسد و در نهایت، استرالیا با پذیرفتن این عنصر نه تنها دوباره بریتانیا را به عنوان یکی از اصلاص اصلی امنیت منطقه پذیرفته بلکه حاضر شد آرایش منطقه‌ای بر مبنای تسلیحات هسته‌ای شکل بگیرد.

■ خنجر به پشت فرانسه

بخشی از آکوس همکاری امریکا و بریتانیا در زمینه دستیابی استرالیا به زیردریایی با پیشران هسته‌ای است. این بدان معناست که استرالیا قراردادی را کنار می‌گذارد که با فرانسه و برای خرید ۱۲ زیردریایی در ۲۰۱۶ به ارزش ۵۰ میلیارد دلار متوقف کرده بود که با تغییر نرخ ارز و هزینه‌ها افزایش به ۹۰ میلیارد دلار رسیده است. این قرارداد بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین خرید نظامی در تاریخ

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش

تنش